



واژه ی پارسی مامان



نوشتاری از سوی گروه پارسی گویان

نشانی تارنما : <https://parsigooyan.download>

رایانامه پارسی گویان : parsi.gooyan@yahoo.com

این نوشته از سوی گروه پارسی گویان می باشد. شما می توانید این نوشته را در همه جا و در هر تارنمای پخش کنید و در بهره برداری از آن آزاد می باشید. اگر هم خواستید نام گروه پارسی گویان را یادآور شوید که با این کار ما رو خشنود خواهید ساخت. با سپاس بسیار

زمان پخش : مرداد ۱۳۹۸ رهسپار خورشیدی



پارسی گویان

برای دریافت کتاب های آوایی (صوتی) و آشنایی با واژگان پارسی و دریافت رخشاره هایی (فیلم) که از سوی گروه پارسی گویان به **پارسی سره** برگردان شده است از تارنمای پارسی گویان دیدن فرمایید.

<https://parsigooyan.download>

واژه ی پارسی مامان

درباره واژه ی مادر هر چه بگوییم باز هم کم گفت ایم و اندک ، چرا که در پس این واژه ی اهورایی ، چه از خود گذشتگی ها (بی کران) و چه بزرگواری ها و چه رنج دیدگی ها و چه پاکی ها و پاکدامنی ها و ... نهفته است و ما تنها او را مادر می خوانیم ، فرافرشته ی که خداوند بزرگ برای پاسداری و پرورش ما برایمان آفریده او نمادی از مهر پروردگار به ماست .

یادی از این چامه ای پرمغز کنیم که این گونه مادر را ستایش می کرد :

مادرم

پاکی قدومش

صفای وجودش

سنگینی سکوتش

نجابت و غرورش

وبا زمزمه ی کلامش

در جذبیه محراب

گستره ی وسیع جنّت بود و

من فقط مادر می خواندمش

این چامه را دست نخورده با همان واژگان سراینده به کار بردیم. او در این چامه به ما می گوید که مادر بسیار ویژگی ها دارد و بسیار جایگاه او بلند است و با این همه ارزش و ویژگی ها ، ما تنها با یک نام او صدا می زدیم ، مادر .



واژه ی مامان نیز یک واژه ی ایرانی و پارسی است که برای نامیدن مادر به کار می رود این واژه ریشه ای کهن دارد و اینک می خواهیم به بررسی این نام سپند و بزرگ پردازیم .

در واژنامه ی دهخدا و معین ، بی آنکه به بررسی ریشه واژگان و پیشینه ی آن پردازند تنها به واگویی مانای آن بسنده کرده اند .

این بدین مانا (معنا) نمی باشد این واژه نامه ها بد یا نادرست می باشند ، چرا که واژه های بسیاری در این نامگان به کاربرده شده است که برای زبان پارسی بسیار پرارزش و بن مایه ی (مرجع) بسیار از پژوهش ها می باشند . واژنامه دهخدا یکی از ارزشمندترین واژنامه های پارسی است

ولی برخی از واژگان بی ریشه شناختی و پیشینه نگری و آوا شناختی به کار رفته و برچسب بیگانه بر آنها زده شده است . واژه نامه های اینچنین که نزدیک به ۵۰ تا ۹۰ سال است که هیچ گونه بروزرسانی روی انجام نشده است از این چنین نادرستی کاستی ها بسیار خواهد داشت در آن روی که بسیاری از واژنامه ها در جهان مانند وبستر بروزرسانی میشوند و تا بتوانند پاسخ گوی نیاز روز مردم باشند . این کم کاری در بروز رسانی واژنامه ها نیز باید از میان رفته و نگاه ویژه ای روی آن انداخت. افزون بر این دانش امروز فراتر از دانش در ۱۰۰ سال یا ۵۰ سال پیش است ، امروزه دانش ریشه شناسی برای واژگان بسیار پویا است

. بهره بردن از شیوه های رنگ شناسی و بهره بردن از پرتو های فرابنفش برای یافتن پیشینه بسیاری از سنگنوشته ها ، سنگواره ها ، ... وحتا ترگمان زبانهای کهن که تا ۱۰۰ سال پیش کسی از آن چیزی نمی دانست ، آدمیزاد را در دریافت زندگی گذشتگان یاری می رساند .

هرچند بخش های از دانش کهن نیز بوده که امروز به فراموشی سپرده شده و آدمی را دچار رنجش های بسیاری کرده است .

(یکی از آن هزاران دانش کهن ، دانشی است که در درمان کرم خوردگی و حتا درآمدن دوباره دندان در دانش کهن ایرانی بوده وامروز بسیاری از آن به فراموشی سپرده شده است) بگذریم .

نادرستی ها درباره ی واژه ی مامان :

در واژنامه دهخدا و معین آمده :

مامان . (فرانسوی ، ا) در زبان اطفال ، نه نه . مادر . و به این معنی مأخوذ از فرانسه است . (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) . ظاهراً مأخوذ از فرانسوی است . کودکان اروپائی مادر خود را چنین خطاب کنند و اکنون بیشتر بچه های شهری ایران نیز مادر خود را مامان می نامند . (فرهنگ لغات عامیانه ُ جمال زاده) . // (اصطلاح فاح...یه خانه ها) مردان رفیقه های خود را مامان خطاب کنند و روسپ .ان خانم رئیس و سرسته ُ خود را مامان گویند . (از فرهنگ لغات عامیانه ُ جمال زاده) . // (ص) در زبان اطفال خرد ، خوب . زیبا . قشنگ . مقابل اخی و ایی یعنی بد و زشت . (یادداشت به خط مرحوم دهخدا) . چیز مطبوع و دلپذیر و خوب . (فرهنگ لغات عامیانه ُ جمال زاده) . // آدم خوب و خوش جنس و بزرگوار . (فرهنگ لغات عامیانه ُ جمال زاده) .

توهینی بیش از این نمی توان برای این واژه سپند پنداشت . چرا که مانایی برای این واژه یادآور نگشته است . تنها کاربرد آنرا در یک جایی نوشته است .

- نخست اینکه ، در بخش گردآوری نویسه ی (حرف) « م » در واژنامه دهخدا چندین تن حضور داشتند ، عزیزا... جوینی (بخشی از نویسه م) غلامرضا ستوده ، رضا قاسمی سعید نجفی اسداللهی و... بخش هایی از نویسه م را در واژه نامه دهخدا به گردن گرفته بودند . پس شاید این ماناها ونادرستی ها از برای پسندهای گوناگون (بخاطر سلیقه های متفاوت) پیش آمده باشد .

- خود مرحوم دهخدا، آنرا فرانسوی دانسته (؟) و جمال زاده صد در صد بر این باور نیست که فرانسوی باشد چرا که واژه ظاهراً به کار رفته است و این خود ناباوری در این بخش را می رساند .
- درباره معنای آن ، تنها نه نه و مادر یاد شده است . که این معنای درست یا دقیق این واژه نیست . (این تنها مانای (معنای) واژه به واژه یا تحت اللفظی یا معنای کلی است { مانای مادر و ننه ازدید کلی درست است })
- جمال زاده آنرا در فرهنگ لغت عامیانه آورده به دین معنا که اساس فرهنگی و تاریخی نداشته و کوچه و بازار به کارگرفته شده و در عوام نیز اشتباه های بسیاری نهفته است . برای نمونه امروزه برخی از عوام ، واژه هایی که نام می باشند را بجای کارواژه (فعل) به کار می برند آن هم از گونه نادرست ، که زخمی بر پیکره زبان پارسی است . همچون واژه زنگ (نام) که در کارواژه زنگ زدن می باشد - زنگ می زنم درست می باشد نه واژه نادرست بزنگیم و از این پرت گویی ها . « فرهنگ لغات عامیانه » ، در اینجا ببینیم خود واژه نامه ها عامیانه را چگونه مانا (معنا) یا تعریف نموده اند :

عامیانه /'āmiyāne/

فرهنگ فارسی عمید

(صفت) [عربی. فارسی] ۱. آنچه به وسیله مردم عادی استفاده می شود؛ غیر علمی؛ عوامانه.

۲. (قید) مانند عوام؛ به روش مردم عادی: □ عامیانه چه ملامت می کنی / بخل بر خوان خداوند غنی (مولوی: ۷۹۸).

لغت نامه دهخدا

عامیانه . [نَ / نِ] (ص نسبى ، ق مرکب) منسوب به عوام و مردم بیسواد و فرومایه و پست . (ناظم الاطباء) :

عامیانه چه ملامت میکنی

بخل بر خوان خداوند غنی .

مولوی .

عوام

لغت نامه دهخدا

عوام . [عَ وَا م م] [ع ا] جِ عامَّة. (اقرب الموارد) (المنجد) (ناظم الاطباء). رجوع به عامه شود. همه ۰
مردم و جمهور مردم . (ناظم الاطباء). || مردمان فرومایه و دون . (ناظم الاطباء). در مقابل خواص . رجوع به
ترکیب «عوام و خواص» شود. مردم بیسواد یا کم سواد و عامه ۰ خلق : عوام بسبب هزل هم بخوانند.
(کلیله و دمنه).

من این دو لفظ مثل سازم از کلام عوام

به وقت آنکه ز هر شوخ چشمم آید خشم . خاقانی

عوام /'avām/

فرهنگ فارسی عمید

(اسم) [عربی: عوام؛ مقابل خواص، جمعِ عامَّة] ۱. مردم عادی و معمولاً بی سواد.

۲. = عامی

۳. [مجاز] همهٔ خلق؛ اکثر مردم.

فرهنگ حاضر تألیف فرج الله خداپرستی می باشد و از تارنمای «دادگان» برگرفته شده است.

عامیانه

واژگان مترادف و متضاد

خلقی، عوامانه، عواموار ≠ عارفانه

در آنجا عامیانه را مردم عادی یا بی سواد و نادانش که سخنانشان را غیرعلمی است، خوانده اند. پس نمی

تواند بیش از اینها به این دست واژگان تکیه کرد (واژگان عوام).

در واژه‌نامه پارسی سره عامیانه = مردمی ، تودگانی ، همگانی می باشد.

این به این معنا نیست در میان مردم هرچه رواگ دارد نادرست است ، چرا آنکه دانش در میان مردم نهفته است و آن شمار اندک در آن جای اهریمنی که جمالزاده یادآورگشته (روس...ی خانه) در جرگه مردم نشانیده نخواهند شد چرا که جانورانی اهریمنی می باشند . ولی ما امروزه بسیاری از مردم را نیز می بینیم که واژه ها را نادرست و غلط ادا می کنند یا نادانسته یا دانسته و غرض ورزانه. بسیاری از آهنگ خوانان (خوانندگان) چامه ها را نادرست می خوانند و واژگانی پست و فرومایه در چامه های خویش به کار می برند ، برخی از بازیگران در به کاربردن واژگانه بیگانه و خدشه در آهنگ زبان ، دستی دراز دارند.

نکته : در ایران بزرگ ما این داستان دگرگون است (بجز گفته های بالا) با بهره بردن از فرهنگ مردمان کهن و حتا زبان و آهنگ به کاربردن واژه می توان به معنا و تاریخ واژگان کهن پی برد و بسیاری از واژگان را ریشه یابی نمود چرا که بسیاری از مردم ایران با تاریخ و پیشینه ی خویش پیوندی ناگسستنی دارند و سینه به سینه این فرهنگ کهن را تا به امروز نگهداری کرده و به آیندگان ارزانی داشته اند . (مردمان در روستاها و جاهای دورافتاده سرچشمه ای از واژگان کهن می باشند-بسیاری از زبانشناسان برای یافتن ریشه های کهن واژگان دست به دامان مردمان روستاها و جاهای دورافتاده می شوند چراکه آنها به هیچ دگرگونی واژگان کهن را پاسداری کرده اند و ریشه ی بسیاری از واژگان را می دانند.)

- اگر کودکان اروپایی از این واژه بهره می برند ، واژه های مانند ماما ، پاپا و مام ، مامی و مادر با گویشی دیگر نیز در انگلستان و اروپا رواگ دارد چرا که زبانهای آن ها ریشه در زبانهای ایرانی دارد و ویرانیها فرمانروای بخش بزرگی از اروپا بوده اند . و دادو ستد فرهنگی داشته اند.
 - صرف استفاده از این نام در جایی در کشور فرانسه دلیل بر معنای این نام نیست . و به کارگرفته شدن این نام دلیل درست بودن آن نیست. واژه های چون خاله (خواهر مادر) ، عمو و جواد (بخشنده) که از این بدبهره گی ها (سواستفاده ها) نیز جدا (مستثنی) نبوده اند .
- اینکه برخی ها ، از این واژه پاک بهره ی بد برده اند و برای زشتی کار خویش به کار می برند فرمود و دلیل بر معنای آن یا تنها کاربرد آن ، در آن جا نیست .پیش از این نیز گفت ایم که سواستفاده ها از واژه های پاک و سپند نیز به کار گرفته شده است .

- « نه نه » کهن ترین واژه درباره مادر است که در ایران به کار می رود و ریشه ایرانی دارد در برخی از شهرها و روستاهای ایران با گویش بومی آنرا « نانا » می خوانند . که وارد زبانهای اروپاییان گشته است .

بررسی واژه مادر در اروپا :

واژه مادر در زبان انگلیسی برای مانای «زن خانواده» ، در سده ۱۲ ترسایبی (میلادی) شناسایی شده است . (واژنامه وبستر)

واژه ماما به مانای مادر در سال ۱۵۷۹ میلادی به کار رفته است. (وبستر)

اروپاییان نیز آن را با معنای زن خانه یا مادر بچه ها معنی میکنند . چرا که پیشینه و ریشه این نام را نمی دانند . مگر

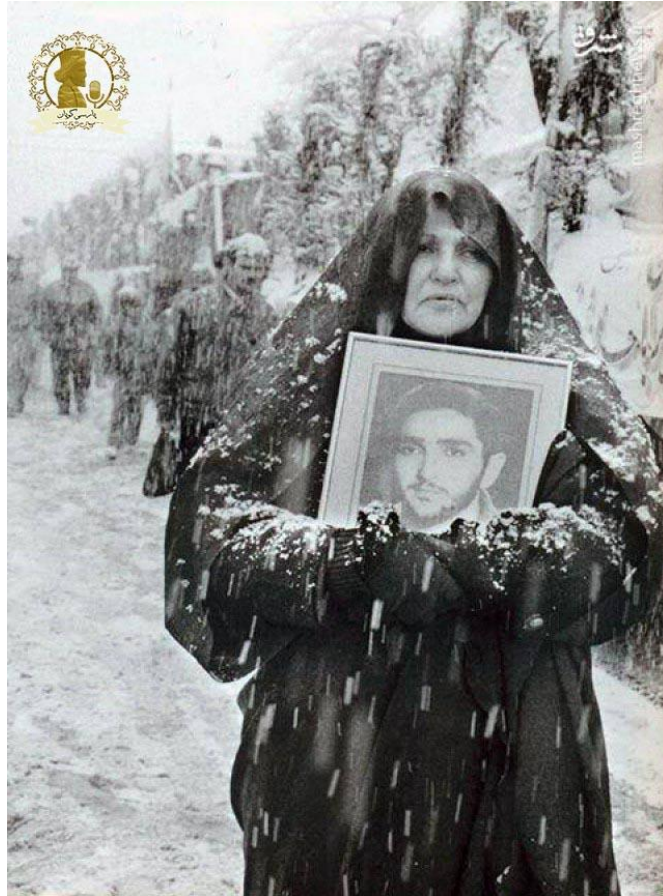
استاد انگلیس تبار (انگلیسی الاصل) دانشگاه کمبریج انگلستان که عمری را بر پژوهش (صرف تحقیق) در زبانهای باستانی ایران کرده، گفته است «هر دانشجوی انگلیسی که می خواهد زبان مادری خود را خوب یاد بگیرد، باید با زبانهای باستانی ایران آشنا شود». هرولد والتر بیلی و استادانی همچو او در غرب، عمرشان را پای خوانش (مطالعه) فرهنگ و زبانهای باستانی ما گذاشتند «۱» بر این درستی پافشاری می کنند که زبان اروپاییان ریشه در زبانها ایرانی و پارسی دارد . چه بسیار واژه های ایرانی در زبانهای فرانسوی و انگلیسی و چک و سوئدی و اسپانیایی و هندی و چینی و ژاپنی و .. آشکار گردیده و مَهر ایرانی خورده است .

(«۱» برگرفته از تارنمای تبیان)

در تارنمای بنام آبادیس در یکی از دیدگاهها در برای واژه مامان گزاره ی بسیار زشتی نگاشته شد که حتا نگاه به آن شرم آور بوده چه برسد به اینک نوشته شود و یا خوانده شود . این بهره بردن نادرست و زشت

واژه پارسی مامان - پارسی گویان

درباره ی واژگان ، هیچ پیوندی با خود واژه ندارد . کاربرد این گونه مانای بد ، نشان از پستی کسانی این اندیشه را در ذهن می پروراند دارد . از این دست واژه های نیک ، در جاهای دیگر برای کاربرد زشت ، به کار رفته است ، مانند واژه نیک خاله ، که به مانای خواهر مادر است از این بد بهره گی (سو استفاده) ایمن نبود ، حتا واژه جواد به مانای بخشش و بخشندگی می باشد مایه دستبرد زشت اندیشان گشته است .



مادر شهید

بررسی واژه پارسی مامان :



مادر ، ای سرچشمه ی پاکی ها ، ای همه ی پناه کودکی ام ، ای مهربانترینم در میان همه ی آفریدگان خدا ، ای زیباترین در زندگانی ام ، مادر . به موهایم دست بکش که دست تو آرامشم می باشد ، نوازش تو درمان همه درد های دنیاست . بمان با من ، مادرم . با تو جهانم روشن و آسمانم آبی است . با نیایش توست ، که خداوند همیشه و همه جا نگاهدار من است . مرا ببخش ، مرا ببخش که همیشه رنجاندمت ، از من درگذر که آنچه تو می خواستی ، نبودم . ولی بمان ، بمان در کنارم . بودنت همه هستی من است . مادر

واژه مامان یک واژه ای پارسی است و ریشه در واژه مام دارد .

ورا گفت : از مام خاتون ام ----- ز سوی پدر بر ، فریدونی ام

مامان ساخته شده از واژه مام + ان همچون واژه یزدان ---<< ایزد + ان

مام + ان (به چهره جمع برای پاسداری و احترام و بزرگداشت مادر {= بزرگ ، والا، مقام دار } و برای ادای آسوده تر واژه)

واژه های همانند :

یزدان ---< ایزد + ان

سام + ان ---< سامان

نریم + ان ---< نریمان

ماه + ان ---< ماهان

مای + ان ---< مایان

دکتر حسین آذران استاد دانشگاه اویسلائی سوئد ، در نسک یا کتاب خویش « نامنامه » واژه مامان را واژه پارسی و ایرانی می داند.

واژه های مام ، ماد ، مار ، ماما ، مامان ، مامک ، مامی ، مامانی و مامانیک همه واژه های پارسی و ایرانی هستند

ریخت هایی از واژه های مام و مامان در نسک دکتر حسین آذران :

مام

ماما

ماماآزم

ماماختر

مامارژن

ماماِرم

....

مامانگار

مامان بانو

مامان فر

مامانتوس

مامان کیا

مامانی

مامانیک

رسیدن از مام به مامان ---- مام ---- ماما ---- مامان

نکته : در زبان تبری (مازندرانی) مادر را مار می خوانند . دیگر واژه های تبری برای واژه مادر ، شی مار ،
خورده مار ، گتِ مار و...

اکنون واژه های کهن ایرانی که در آنها می توان واژه مام و ماما و مامان را یافت :

مار = در زبان تبری یا مازندرانی به مانای (معنای) مادر می باشد.

مارین = نام روستایی کهن در بهبهان *

ماریره = زن پدر *

ماری = مهر ، مادر *

ماریا = مهر ، مریم ، ماریه *

ماماهان = نام روستایی کهن در بخش رزن شهرستان همدان *

مامک = مادر گرامی *

مامای = گیاهی سودمند که گل های بنفش دارد (در زبان گیلکی و تبری) *

مامیران = گیاهی سودمند از تیره کوکناریان *

مامین = مانند مادر *

مایان = مادر *

مایا = مادر *

مامانیک = وابسته به مادر *

مامن = مادر من

{ * - همه ی واژگان ستاره دار برگرفته از کتاب دکتر حسین آذران نخعی «نامنامه» می باشد. }

با نگرش به اینکه آفرینش خط یا دبیره در ایران در استان کرمان و در جیرفت بوده و به « نویسه های جیرفتی» پرآوازه است و ریشه بسیاری از زبان های جهان ریشه از همین دبیره و زبان درایران می باشد.

انوش راوید پژوهشگر نام آور در بررسی واژه پارسی مامان این گونه پاسخ می دهد که :

ریشه تمام زبان های دنیا در حروف انگاریک (هیروکلیف) جی است.

جی : جیرفت

م = مرکز = زمین = محل آفرینش

ا = راست و بلند، شرمگاه مردانه

م + ا = دارای بار زایش = ما = مادر = مامان

ما + د = دارنده بار دعا و بالا رونده = ماد = مد = بالای هرم = بزرگ

این پاسخ در برابر سخن نادرستی است (که می گویند واژه مامان به مانای مکیدن است) می دهد. مامان هرگز به مانای مکیدن و این گونه گفتارهای ناروا نیست مادر و مامان به مانای پایه و بنیان آفرینش آدمی و کسی که دارای جایگاه بلند در نزد خداوند و خانواده دارد.

گفتاری درباره ی واژه مامان از استاد مجید روهنده :

واژه ایرانی مام میتواند به شکل ماما و سپس مامان درآید زیرا برای ادای آسانتر واژگان بدانها آوای پایانگر میافزایند مانند جوی-جوب. (مجید روهنده)

در زبان اوستایی نویسه های هرکدام مانای دارند (همانند نویسه جیرفتی)

۱ = آ = پیش، بالا، جلو، کنار (اوستایی)

۱ = در نویسه های جیرفتی = آ مانند آرام، نخستین نویسه، سبک ترین، در بالای می نشیند، مانند آس و آسمان .

انوش راوید)

۱ = دومین نویسه، به مانای برآست و بلند می آید، ابزار زایش، دارای ارزش دینی دوران پیش کهن.

در اینجا می بینیم در زبان اوستایی و نویسه جیرفتی آ یک مانا می دهد .

آن بلندی و بالایی و جایگاه والا است.

م = کیان (مرکز)، زمین

در ایران باستان ۵ اسپند ماه روز زن (روز مادر) و زمین بوده و همانندی این دو آفریده ی پروردگار

بسیار نگرش پذیر (مورد توجه) و ارزشمند بوده است . (اسپنداورمزدگان)

د = دارنده (نویسه جیرفتی)

دا = بخشیدن، پیشکش، آفریدن، نگهداری کردن، داشتن (زبان اوستایی)

ر = وابسته

ر = وابسته، رفته

۱ = بلندی

ر، ل = دارنده ، کشنده ، رفته ، واقع شده.

ان = جایگاه ، مقام

مان = مین = زمین ، کشور ، مادر

ن = برکت ، روزی

۱ = دارای بلندی و ارتفاع + ن = برکت و نان = مکان = غاری یا اتاق در کوه و تپه که بعدها طی هزارها در ادامه

رشد و تکامل، همچنان در پسوند مکان باقی مانده است. (انوش راوید)

با دانش در مانای هر نویسه به روشنی می توان دریافت مامان برساخته نویسه های کهن پارسی و ایرانی است .

مامان = م + ا = ما -- م + ان = مان -- مامان = جایگاه والا ، والا جایگاه ، اساس
آفرینش ، بنیان خانواده و دارای احترام بسیار... (مادرسالاری در خانواده در گذشته)

پس در این روی واژگان زیبا و سپتتا و کهنی چون مام ماد مار مادر مامان مامک مامی مامانی و مامانیک همه واژه های پارسی و ایرانی هستند برپاد آنچه در فرهنگ دهخدا و معین گفته شده وانرا فرانسوی و کاربرد آنرا در روس..ی خانه و ... دانستند . باورما این است که مامان یک واژه ناب و پاک ایرانی است.

واژه مامان . واژه ایرانی و پارسی است .

بن مایه ها :

نامنامه - دکتر حسین آذران نخعی - استاد برجسته دانشگاه اویسالای سوئد

استاد مجید روهنده - زبانشناس و ریشه شناس واژگان ایرانی

استاد انوش راوید - پژوهشگر تاریخ

واژنامه استادعلی اکبر دهخدا

واژنامه معین

واژنامه عمید

تارنمای تبیان

پژوهشی از گروه پارسی گویان

پایان